



# عقل که نباشد جان در عذاب است

بازی‌ها، فعالیت‌ها و پژوهش‌های خلاقیت‌محور

مرتضی مجدفر

بر مبنای تمثیل‌ها و افسانه‌های کلیله و دمنه

برای توسعه‌ی سواد خواندن در میان دانش‌آموزان دبستانی

اشاره

نخستین بخش پیدا در کلاس درس را در شماره‌ی قبل خواندید. در بخش مذکور، علاوه بر آشنایی با چگونگی آماده‌سازی این سلسله مطالب که امسال سومین مجموعه‌ی آن‌ها را چاپ می‌کنیم (ازوپ، لافوتن و اکنون پیدا)، با زندگی پیدا و چگونگی تألیف کلیله و دمنه هم آشنا شدید. هم‌چنین برای آغاز بحث، داستانی را به همراه پرسش‌ها، تمرین‌ها و فعالیت‌های انتهایی آن درج کردیم. اکنون در بخش دوم، دو داستان که محوریت هر دو «برتری عقل در زندگی» است، همراه با پرسش‌ها، تمرین‌ها و فعالیت‌های هر یک، منتشر شده است.

## پرنده، پری دریایی و عنقا

پرنده‌ی دریایی زیبایی بود که کنار ساحل لانه داشت. او و همسرش در آن لانه، بسیار خوش‌بخت بودند و با آرامش زندگی می‌کردند. آن‌ها بعد از مدت‌ها به فکر افتادند جوجه‌هایی برای خودشان دست‌وپا کنند. تخم‌ها گذاشته شد و پرنده‌ی ماده روی آن‌ها نشست. هنگامی که وقت سرد آوردن جوجه‌ها از تخم فرا رسید، مادر جوجه‌ها گفت: «نمی‌دانم چرا از به دنیا آمدن این جوجه‌ها اصلاً خوش‌حال نیستم. اول این که فکر می‌کنم هیچ کدامشان را نمی‌پسندم و دوم این که نگرانم. می‌ترسم پری دریایی بیاید و همه‌ی جوجه‌هایمان را ببرد.» و بعد اضافه کرد: «بیا دنبال جای مطمئن‌تری باشیم و جوجه‌ها را آن‌جا بزرگ کنیم.»

پرنده‌ی نر حرف‌های همسرش را جدی نگرفت و گفت: «نترس. من پیش تو هستم. علاوه بر این، فکر می‌کنم بهترین‌جا برای زندگی کردن ما، همین‌جا باشد. نگاه کن! همه‌چیز مهیاست. آب داریم، گل داریم، سرسبزی و دار و درخت داریم... همه‌ی این را بگذاریم و برویم جای دیگر که چه شود؟»

پرنده‌ی ماده جواب داد: «راست می‌گویی. خیلی جای خوبی داریم. همه چیز هم داریم. اما من و تو می‌دانیم که پری دریایی چگونه تهدیدمان می‌کند و چه حرف‌ها که به ما نمی‌گوید. فکر نمی‌کنی

جانمان از همه چیز بیشتر ارزش دارد؟ چرا به فکر بچه‌هایمان نیستی؟

خواهش می‌کنم بیا از این‌جا برویم...»

پرنده‌ی دریایی نر با مهربانی گفت: «لطفاً خیلی هیجان‌زده نشو. هیجان برای تو که تازه می‌خواهی مادر بشوی، اصلاً خوب نیست. فعلاً روی تخم‌هایت بنشین و به فکر درآوردن جوجه‌های خوشگلت از تخم باش و قول بده به چیزهای بد فکر نکنی.»

پرنده‌ی ماده از ناچاری دیگر حرفی نزد و به گرم کردن تخم‌ها پرداخت. چندین و چند روز به همین کار ادامه داد تا بالاخره پنج شش جوجه‌ی ناز و مامانی، تخم‌ها را شکستند و بیرون آمدند.

چند روز گذشت. جوجه‌ها روز به روز بزرگ و بزرگ‌تر می‌شدند تا این که یک روز، آب دریا بالا آمد، تمام ساحل را در بر گرفت و در چشم برهم زدنی، تمام جوجه‌ها را با خود برد.

وقتی موج‌های دریا، لانه را با خود شستند و بردند، مادر و پدر جوجه‌ها در لانه نبودند و به دنبال پیدا کردن دانه و غذایی برای بچه‌هایشان، به کمی آن‌طرف‌تر پرواز کرده بودند. وقتی برگشتند و هیچ اثری از لانه و بچه‌ها ندیدند، مادر جوجه‌ها از ته دل گریه کرد و درحالی که اشک‌هایش مثل سیل بر صورتش جاری شده بود، با عصبانیت به همسرش گفت: «من می‌دانستم این‌طور می‌شود... به خدا می‌دانستم. ولی تو نخواستی و نفهمیدی که من چه می‌گویم...» بعد شروع به بال و پر زدن کرد که بیشتر شبیه یک جور تنبیه کردن خود بود.



پرنده‌ی نر هم دست کمی از همسرش نداشت. او با عصبانیت گفت: «من از پری دریایی که جوجه‌هایم را از من گرفت، انتقام می‌گیرم.» بعد نزد پرندگان دیگر رفت. می‌خواست هرچه زودتر در مورد بلایی که سرشان آمده بود، با دیگران حرف بزند.

پدر جوجه‌ها به محض رسیدن نزد پرندگان دیگر گفت: «همه‌ی شما برادران و خواهران من هستید و می‌دانم که مرا در مشکلات تنها نخواهید گذاشت. پری دریایی، جوجه‌های ما را گرفته است و اکنون از شما کمک می‌خواهیم.»

ولی همه‌ی پرندگان یکصدا گفتند: «ما سر خود هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم. رهبر ما «عنقا» است. اوست که در مورد همه چیز اطلاعات دست اول دارد و همه چیز را می‌داند. فقط اوست که می‌تواند انتقام شما را از پری دریایی بگیرد. بیا پیش او برویم.»

پرنده‌ی دریایی قبول کرد. و به سوی محل اقامت عنقا رفتند. در اقامتگاه عنقا، از هر دری سخن گفتند و از او خواستند که انتقامشان را از پری دریایی بگیرد.

عنقا از حادثه‌ی دردناکی که برای پرنده‌ی دریایی و همسرش پیش آمده بود، به شدت ناراحت شد. علاوه بر این، به حاضران گفت به پری دریایی بگویید که از دست او بسیار عصبانی است و هشدار داد که آماده‌ی نبرد باشد. وقتی این خبر به گوش پری دریایی رسید، از نبردی که قرار بود با پرندگان و عنقا داشته باشد، بر خود لرزید. او تصمیم گرفت هرچه سریع‌تر جوجه‌های پرنده‌های دریایی را به آن‌ها پس بدهد. پس از این اتفاق، عنقا همه‌ی پرنده‌ها را جمع کرد و به آن‌ها گفت: «سعی کنید تا آخرین لحظه‌های عمرتان، عقلمتان را کنار نگذارید. از حرف‌ها و پیشنهادهای خوبی که به شما داده می‌شود، استقبال کنید. اگر می‌خواهید از سختی‌ها دوری کنید، عاقلانه از خطرها فاصله بگیرید. عقل سرمایه‌ی خوبی برای همه، از جمله ما پرندگان است.»

پرندگان، وقتی حرف‌های عنقا را شنیدند، متفرق شدند و در دسته‌های چند تایی، به سوی لانه‌هایشان پرواز کردند.

## سه پرسش

۱. همسر پرنده‌ی دریایی از چه چیزی نگران بود؟

(الف) از توفانی که در راه بود.

(ب) از تهدیدهای پری دریایی.

(پ) از گرمای بی‌سابقه‌ی هوا در تابستان.

۲. پرنده‌های دریایی چگونه جوجه‌هایشان را از پری دریایی پس گرفتند؟

(الف) با کشتن پری دریایی.

(ب) با التماس به پادشاه پری‌های دریایی.

(پ) با کمک رهبر پرندگان، عنقا.

۳. توصیه‌ی مهم عنقا به همه‌ی پرندگان چه بود؟

(الف) مزاحم پری‌های دریایی نشوید.

(ب) محل اقامت خودتان را تغییر دهید.

(پ) برای دوری از خطر، از عقل کمک بگیرید.

## ؟ فکر کنید، پاسخ دهید.

۱. درباره‌ی موجودات زیر، با جست‌وجو در منابع معتبر تحقیق کنید و برای هر یک، لافل شرحی در حد صد کلمه بنویسید.

- پرنده‌ی دریایی (در برخی منابع «مرغ دریایی» هم نامیده شده است)
- پری دریایی
- عنقا.

**توضیح:** منابعی را که از آن‌ها استفاده می‌کنید، حتماً در پایان نوشته‌ی خود به شکل زیر معرفی کنید:

**نام خانوادگی و نام نویسنده** (سال نشر کتاب). **نام کتاب به‌طور کامل.** اگر کتاب ترجمه است، **نام مترجم.** **تعداد صفحات.** **نوبت چاپ.** **قیمت.** **نام ناشر.** **شهر محل انتشار.**

۲. در داستان گفته شده است که پرنده‌ی دریایی ماده روی تخم‌هایی که خود گذاشته بود، خوابید. سه پرنده‌ی گوناگون دیگر مانند مرغ، شتر مرغ و اردک را در نظر بگیرید و در مورد مدت زمانی که لازم است این پرندگان روی تخم‌های خود بنشینند (یا بخوابند) تا جوجه‌ها سر از تخم بیرون بیاورند، تحقیق کنید.

**توضیح:** در یک پژوهش، روش‌های گوناگونی برای جمع‌آوری اطلاعات وجود دارد. مثلاً در این تحقیق ساده، شما می‌توانید با مراجعه به منابع کتاب‌خانه‌ای معتبر، حضور در مزارع و مشاهده‌ی مستقیم پرندگانی که روی تخم‌های خود خوابیده‌اند و نیز گفت‌وگو با افراد آگاه و با تجربه، اطلاعات لازم را کسب کنید. در این پژوهش، برای مثال روش‌هایی مانند پرسش‌نامه و آزمایش که انواع دیگری از شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات هستند، اصلاً مناسب نیستند.

۳. به نشستن یا خوابیدن پرندگان روی تخم‌های خود چه می‌گویند؟ فکر می‌کنید ریشه‌ی این واژه از کجا نشئت گرفته است؟

۴. درباره‌ی پری‌های دریایی، از میان داستان‌ها و افسانه‌های موجود، یک مورد را انتخاب کنید و خلاصه یا متن کامل آن را در کلاس برای هم‌کلاسی‌های خود بخوانید.

۵. با پرواز دادن تخیل خود، نقاشی خلاقانه‌ای از یک پری دریایی بکشید.

**پیشنهاد:** با هم کلاسی‌های خود قرار بگذارید، همه‌ی اعضای کلاس، نقاشی‌های خود را روی کاغذهای هم‌اندازه (مثلاً ۴ - یا ۳ -) بکشند تا پس از جمع‌آوری همه‌ی نقاشی‌ها، بتوانید نمایشگاهی از تخیل همه‌ی بچه‌ها درباره‌ی پری‌های دریایی را در محل کلاس یا گوشه‌ای از راهرو یا حیاط مدرسه تشکیل دهید.

## یک فعالیت دیگر

**یاشار** بعد از این که داستان پرنده، پری دریایی و عنقا را خوانده بود، ذهنش سخت درگیر شده بود. به‌ویژه، او از عنقا خیلی خوشش آمده

بود و همه‌اش درباره‌ی آن فکر می‌کرد. حتی پیش پدرش که رفت، از عنقا سخن گفت. پدر یاشار گفت: «عنقا، پرنده‌ی خیلی قوی و بزرگی است. حتی در مورد عنقا یک بیت شعر هم در خاطر هست که نمی‌دانم سروده‌ی چه کسی است:

برو این دام بر مرغی دگر نه

که عنقا را بلند است آشیانه.»

یاشار، هرچه قدر به پدرش اصرار کرد که بگوید شعر از کیست و بیت‌های قبل و بعد آن چیست، او نتوانست. ولی بالاخره با جست‌وجو در کتابخانه‌ی پدرش، توانست این اطلاعات را به دست آورد:

– نام شاعر و اطلاعات کاملی در حد ۳۰۰ کلمه درباره‌ی زندگی وی.

– متن کامل غزل (کل غزل ۹ بیت بود که با بیت: «سحر گاهان که مخمور شبانه / گرفتم باده با چنگ و چغانه» شروع می‌شد و بیتی که نام عنقا در آن بود، ششمین بیت بود).

– معنی کامل غزل به نثر ساده و روان امروزی.

● فکر می‌کنید یاشار چگونه به این اطلاعات دست یافت؟ شما هم مانند او عمل کنید و سه بخش فعالیت‌های یاشار را انجام دهید.

کنم. با تلاش بیشتر، می‌توانم راهی بیابم. درست است که عقل متوسطی دارم، ولی اگر از آن درست استفاده کنم، حتماً راه فرار را پیدا خواهم کرد. در هر صورت، عقل چاره‌ی هر کاری است.»

ماهی دوم، این‌ها را با خود گفت و خودش را به مردن زد. بعد به سطح آب آمد و در حالی که مدتی به پشت و مدتی هم به رو شنا می‌کرد، توجه ماهی‌گیرها را به خود جلب کرد. ماهی‌گیرها تا هیکل درشت ماهی را روی سطح آب دیدند، به سرعت او را برداشتند و در فاصله‌ی بین استخر و رودخانه، روی زمین انداختند.

ماهی دوم از همان عقل متوسط خود استفاده کرد و در حالی که ماهی‌گیرها مشغول جابه‌جا کردن تور خود بودند، با نیمه جانی که در بدن داشت، خودش را به سمت رودخانه پرتاب کرد و به این ترتیب، به سختی از چنگ ماهی‌گیرها در رفت.

ماهی بی‌عقل، از سرناچاری مدتی در استخر خودش را به این طرف و آن طرف زد و در نهایت، با بیچارگی تمام، خودش را در تور ماهی‌گیری گرفتار دید.

## سه پرسش

۱. ماهی‌ها چگونه از تور انداختن ماهی‌گیرها در استخر خبردار شدند؟

الف) از صحبت‌های دو ماهی‌گیر با هم.

ب) از صحبت‌های قورباغه‌ها.

پ) از گرم شدن یکباره‌ی دمای استخر.

۲. ماهی عاقل، برای رهایی از تور ماهی‌گیرها چه کار کرد؟

الف) در عمیق‌ترین جای استخر مخفی شد.

ب) شنا کرد و خودش را به رودخانه رساند.

پ) خودش را به مردن زد.

۳. علت اصلی گرفتار شدن ماهی بی‌عقل در تور ماهی‌گیرها چه بود؟

الف) بدشانسی او.

ب) فریب خوردنش از صحبت‌های ماهی‌های دیگر.

پ) بی‌خیالی و آسوده‌نگری او.

## ؟ فکر کنید، پاسخ دهید

۱. ضرب‌المثل «عقل که نباشد، جان در عذاب است» را با داستان پرماجرایی سه ماهی تطبیق دهید و برای تأیید حرف‌های خود، سه ضرب‌المثل دیگر هم درباره‌ی عقل به دست آورید.

۲. «عجله و عقل با هم جور در نمی‌آید». این هم ضرب‌المثل دیگری است که درباره‌ی عقل و ارتباط آن با عجله کردن ساخته شده است. فکر می‌کنید اگر ماهی عاقل، از این ضرب‌المثل پیروی می‌کرد، در دام ماهی‌گیرها گرفتار می‌شد یا نه؟ فکر نمی‌کنید که ماهی بی‌عقل،

## داستان پرماجرایی سه ماهی

یکی بود، یکی نبود. استخری بود که درون آن سه ماهی زندگی می‌کردند. یکی از ماهی‌ها بسیار عاقل بود. دیگری عقل متوسطی داشت و سومی کاملاً بی‌عقل و بیچاره بود.

استخر، در جای درست و حسابی واقع نشده بود و به همین دلیل، کمتر کسی از آن طرف‌ها رد می‌شد. البته نزدیک استخر، رودخانه‌ای روان و بسیار پرآب در حرکت بود.

روزی از روزها، دو ماهی‌گیر که از آن‌جا رد می‌شدند، استخر را دیدند. خیلی خوش حال شدند و از این‌که تاکنون چنین استخری را ندیده بودند، تعجب کردند. بعد با صدای بلند، شروع به صحبت با همدیگر کردند و از انداختن تور در آب استخر و گرفتن ماهی‌ها حرف زدند.

ماهی‌ها حرف‌های آن‌ها را شنیدند. ماهی عاقل با شنیدن صدای ماهی‌گیرها، با عجله و هیجان فراوان، خودش را به محل اتصال رودخانه با استخر رساند و با سرعت به طرف رودخانه رفت.

ماهی دوم که عقل متوسطی داشت، خیلی عجله نکرد. کمی صبر کرد و بعد از مدتی تصمیم گرفت کاری کند. در همین مدت، ماهی‌گیرها خودشان را به کنار استخر رساندند و تورشان را به داخل انداختند. در همین حال، ماهی دوم، با همان عقل متوسطش، در فکر این بود که چگونه خودش را از گیر افتادن در تور ماهی‌گیرها نجات دهد. به همین خاطر شروع کرد به شنا کردن تا هر طوری هست، خودش را به محل اتصال استخر به رودخانه برساند. ولی دیگر دیر شده بود. چرا که اولین کار ماهی‌گیرها، بستن محل اتصال استخر با رودخانه بود. ماهی دوم که راه را بسته می‌دید، با خود گفت: «تا بخواهم فکرم را جمع‌وجور کنم، اسیر شده‌ام. چه اشتباهی، این نتیجه‌ی بی‌عقلی من است. باید راه چاره‌ای پیدا

در اینترنت آن را مشاهده کرده‌ایم، به همراه ساعت و تاریخ مشاهده قید کنیم. چون ممکن است صاحب سایت یا وبلاگ، مطلبی را که ما از آن استفاده کرده‌ایم، پس از مدتی حذف کند. حال تمرین زیر را انجام دهید و به پرسش‌هایی که طرح شده است، پاسخ دهید:

### تمرین

● پژوهشگری در انتهای تحقیق خود، نشانی اینترنتی زیر را نوشته است:

[http://www.kodakan.org/story/story\\_kids/sk004.htm](http://www.kodakan.org/story/story_kids/sk004.htm)

(ساعت و تاریخ مشاهده: ۲۰/۱۰/۱۹ - ۱۳۸۹/۴/۱۹)

حال شما نشانی یاد شده را در محل نشانی صفحه‌ی اینترنت خود در رایانه تایپ کنید و منتظر بمانید تا صفحه‌ای را که ظاهر می‌شود، ببینید. چه چیز جالبی را ملاحظه می‌کنید؟ صفحه‌ای که می‌بینید، چه قدر با داستان پرماجرایی سه ماهی هم‌خوانی دارد؟

● همین پژوهشگر، نشانی اینترنتی زیر را هم به عنوان یکی از منابع اصلی خود که در صفحات گوناگون آن گشت و گذار کرده است، معرفی کرده است:

<http://kodak.iranblog.com>

این وبلاگ را مرور کنید و از داستان‌های زیبایی که در آن نوشته شده است، لذت ببرید.

### پرسش

- عده‌ای می‌گویند، وقتی در پایان یک تحقیق می‌نویسیم «منبع: اینترنت»، مثل این است که بنویسیم «منبع: کتاب‌خانه». آیا این حرف را قبول دارید؟ بحث کنید.
- چرا ممکن است نویسنده، مدیر یا صاحب یک پایگاه یا وبلاگ، متنی را مدتی پس از قرار دادن در سایت یا وبلاگ خود، حذف کند؟

به این ضرب‌المثل عمل کرده و گرفتار شده است؟ به نظر شما، آیا حکمت‌هایی که در ضرب‌المثل‌ها نهفته‌اند، در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها و هر شرایطی صحیح هستند؟

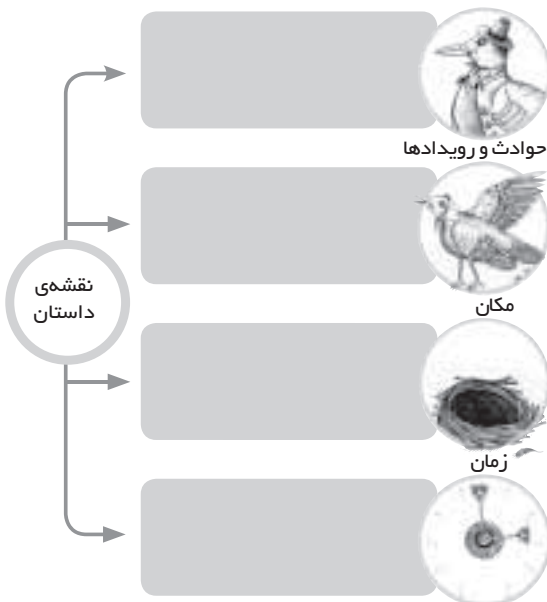
۳. عده‌ای ماهی‌گیری را برای امرار معاش انجام می‌دهند و عده‌ای دیگر، از ماهی‌گیری به مثابه ورزشی فرحبخش نام می‌برند. مطلب کوتاهی در ۲۰۰ کلمه بنویسید و انواع ماهی‌گیری، به‌ویژه ماهی‌گیری به عنوان شغل و ماهی‌گیری به مثابه ورزش را توضیح دهید.

۴. ماهی سیاه کوچولو، داستانی است که در سال ۱۳۴۷، یکی از نویسندگان کودک و نوجوان آن سال‌ها، به نام صمد بهرنگی نوشته است. این کتاب بسیار معروف شد و حتی تصویرگری آن که کار استاد هنرمند، **فرشید مثقالی** بود، در جشنواره‌ی تصویرگری براتیسلاوا رتبه‌ی اول را کسب کرد. کتاب ماهی سیاه کوچولو را از کتاب‌خانه‌ی عمومی محل اقامت خود یا کتاب‌خانه‌ی مدرسه به امانت بگیرید و پس از خواندن، متن آن را با متن داستان پرماجرایی سه ماهی مقایسه کنید. به نظر شما رفتارهای ماهی سیاه کوچولو با کدام‌یک از سه ماهی داستان ما شباهت دارد؟

### یک فعالیت دیگر

- در تمرین شماره‌ی ۱ «داستان پرند، پری دریایی و عنقا»، با شیوه‌ی منبع دهی در پایان نوشته‌ها و مقاله‌ها آشنا شدید. آن شیوه‌ای که یاد گرفتند، به منابع مکتوب یا چاپ شده‌ای مربوط است که حالت تألیف یا ترجمه دارند. حال اگر کسی در تحقیق یا نوشته‌ی خود، از منابع اینترنتی استفاده کند، لازم است نام و مشخصات پایگاه (سایت) یا وبلاگی را که از آن بهره برده است، به‌طور کامل بنویسد. مثلاً اگر کسی در پایان نوشته یا تحقیقش بنویسد: «منبع: اینترنت» یا «منبع: سایت کودکان» یا حتی «www.kodakan.org»، اصلاً درست نیست. وقتی از یک پایگاه اینترنتی استفاده می‌کنیم، باید تمام مشخصات صفحه‌ای را که

شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان



کلمه‌ها و ترکیباتی که برای نخستین بار در این داستان با آن‌ها آشنا شدی

کلمه (و یا ترکیب)	معانی آن

- در مورد معنای هر کلمه، لااقل یکی از فعالیت‌های زیر را انجام ده:
- با دوستان خود گفت‌وگو کن.
  - با پدر و مادر بحث کن.
  - درستی آن را با آموزگار کنترل کن.
  - با مراجعه به لغت‌نامه، فرهنگ‌نامه و یا دایرة‌المعارف، اطلاعات بیشتری به دست آور.